

است که شاعران و عرفای بسیاری درباره آن سخن گفته اند در این مقاله مرگ ابتدا از حیات مفهوم لغوی آن در قرآن، سپس از نگاه عرفا و در پایان از نگاه فردوسی بررسی شده است:

#### معنای قاموسی مرگ

از مرگ در قرآن با واژگان "وقی، فوت و موت" یاد شده است. راجع اسفغانی در مفردات ذیل واژه "توفی"، چنین آورده است:

الْوَأْفَى: الذی بلغ التمام، گرفتن چیزی است.

وقی بهمه یعنی وثاقه و اوقی پیمان و دوستی را حفظ کرد و به اتمام رسانید و خدانود می فرماید: وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ يَهْدِيكُمْ الْبِرَّ / ۴۰. النحل / ۹۱، آل عمران / ۷۶، البقرة / ۱۷۷، الإنسان / ۷، التوبة / ۱۱، النجم / ۳۷.

و تَوْفِيَةُ الشَّيْءِ بِنِدَائِهِ وَأَقْبَابِهِ، وَاسْتِيفَاؤُهُ تَأْوِيلُهُ وَأَقْبَابُهُ مَعْنَى الْغُرْتِمْ جِزِيٌّ أَيْ فِي طُورِ إِيمَاءٍ وَاتِّمَامٍ. قَالَ تَعَالَى: وَوَقَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ آل عمران / ۷۵، ۱۸۵، البقرة / ۲۸۱، الزمر / ۱۰، هود / ۵۵، الأنعام / ۳۰، عم التور / ۳۶.

و قد عبر عن الموت والنوم بالتوفى، در آیاتی مرگ و خواب به "توفی" تعبیر شده است. خدانود می فرماید: اللَّهُ يَتَوَفَّى النَّفْسَ جِئْن مَوْلَاهُ الزَّمْر / ۱۳۲، النجم / ۴۰. (راجب، ۱۴۱۲: ص ۸۷۸ - ۸۷۹)

#### فوت

الْمَوْتُ: بِنْدَ الشَّيْءِ، عَنِ الْإِنْسَانِ بِحَيْثُ يَخْتَرُ إِجْرَاكَهُ، فَوْتُ بِه مَعْنَى دَوْرِ سَلْمِ جِزِيٍّ أَيْ زَانِ اسْتَأْنَسَ بِه نَجْوَى كَه دَسْتَرَسَ بِه أَنْ مَسْكَنَ نَبَأَهُ خَلَاوَدَ مِى فَرْمَايِد: وَ إِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَرْوَابِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ الْمَسْتَحْتَكَةِ / ۸۱، الحديد / ۳۳، سبأ / ۵۱ (همان، ص: ۶۲۶)

سال آینه اسماک

دکتر شهلا خلیل الهی

### مرگ از دیدگاه فردوسی و عرفا

#### چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی دیدگاه فردوسی و عارفان درباره مفهوم مرگ است. مسأله اصلی آن نگاه فردوسی به مرگ و مقایسه آن با نگاه عرفاست، این مقاله به روش کتابخانه ای انجام یافته است. در تعالیم اسلام مرگ و حیات پس از آن به اصل معاد مربوط می شود که پس از توحید و نبوت، سومین اصل اعتقادی اسلام به حساب می آید. از جمله موارد بحث مسأله رجعت اختیاری و رجعت اضطراری است که اولی مربوط به کمال منوی و دومی مربوط به ماهیت مرگ مادی و معاد جسمانی است که در این منظر عرفا مرگ را به انواع و اقسامی تقسیم کرده اند، در قرآن نیز آیاتی را می توان دید که درباره مرگ نازل شده اند که در یکی از آنها خواب گونه ای مرگ به شمار آمده است. احادیثی نیز از پیامبر (ص) در این موضوع نقل شده است. چنانکه می دانیم عظمت کار فردوسی فقط در پرداختن حماسه ایرانیان و به نظم کشیدن اساطیر و تاریخ و فرهنگ ایران نیست، بلکه در عین حال گزارش می کند و پایه اندیشه اندیشه های عرفانی و فلسفی و سخنان عارفانه خطاب به همه نسلها و زمانهاست. در این میان نگاه وی نسبت به مرگ در خور تأمل است، وی در عین سفارش به برخورداری و بهره مندی از نعمتهای دنیایی، اعتراض و قطع تعلق از جهان را نیز توصیه می کند و پایه اندیشه های او همان اندیشه های عرفانی است. از نظر وی دنیا در حکم مزرعه ای است برای آخرت و هر لحظه دنیا می دهد که انسان عاقبت به خاک تبدیل خواهد شد نتیجه این که بخش بزرگی از دیدگاه های فردوسی در باره مرگ با دیدگاه عارفان یکسان است.

#### مقدمه

مرگ حقیقی است که نه تنها هیچ راه گریزی از آن نیست، بلکه معمای اسرار آمیز آن هم کشنده نیست، از این رو انسان پیوسته در پی نجات خود از چنگال مرگ بوده، در ظلمات دینی جستجوی آب حیات، آنگاه تا بتواند همیشه زنده و جاوید بماند این مفهوم از مضامینی